

لطف الهیان زیر تیغ تخریب یاران نام آشنا

این روزها حملات به سوی شهردار ردبیل حالت گسترده ای پیدا کرده و کار به آن جا رسیده است که دوستان و همراهان دیروزی به مخالفان و منتقدان سر سخت امروزی تبدیل شده اند.

این که لطف الهیان شهردار موفق بوده یا نه بحث دیگری است اما چرا کسانی که تا دیروز در صف علاقه مندان و سینه چاکان وی قرار داشتند امروز با تغییر موضع 36 درجه ای به منتقد تمام عیار تبدیل شده اند؟

به نظر می رسد برخی ها تصمیم گرفته اند که برای تجدید حیات سیاسی خود لطف الهیان را قربانی بکنند. کسانی که به حضور در صحنه های قدرت عادت کرده اند و اراده ای برای ترک آن ندارند حتی برای تخریب فردی که تا دیروز در وصفش شعرها می سرودند و قصیده های بلند بالا می خواندند و او را بهترین شهردار تاریخ اردبیل تلقی می نمودند امروز بر آن شده اند تا تخریب او و در نهایت تحریک شورا برای استیضاح و برکناری اش را در دستور کار قرار بدهند تا شاید بتوانند با کم کردن سایه لطف الهیان از شهرداری و با انتخاب سرپرستی حرف گوش کن در انتخابات شورا کشتی سیاسی درهم شکسته خود و دوستان را به ساحل امنی برسانند و با به دست آوردن موقعیت در شورا و انتخاب شهردار تا حدی زخم های ناشی از شکست های معنی دار و ماندگار را ترمیم نمایند.

متأسفانه در ساختار شورا نیز هم جناحی ها و هم فکرهای پدر خوانده ها در تغییر موضع تردیدی به خود راه نداده و نشان می دهند که ممکن است منافع جناحی را به منافع شهر ترجیح بدهند و یا برای ادای دین به کسانی که در انتخابات گذشته شورا یار و یاورشان بوده اند آستین همت بالا بزنند. آن ها برای خود نیز به دنبال موقعیت هستند و فکر می کنند که اسم ها و عکس ها و باندبازی ها می توانند گره گشا باشند.

در این میان قرعه تخریب به نام لطف الهیان خورده است. چنین می اندیشند که شهرداری به نام لطف الهیان می تواند در بر هم زدن بخشی از برنامه های آن ها در انتخابات نقش تأثیرگذاری داشته

باشد. بنابراین باید از همه امکانات برای اجبار لطف الهیان به خداحافظی از شهرداری استفاده کرد و در این میان چه وسیله ای بهتر از دوستان و همراهان در شورا و فضای مجازی.

حمله به عملیات اجرایی پل قدس یکی از ابزار تهاجمی دوستان دیروز و مخالفان امروز لطف الهیان است. آن هایی که در شورا این روزها وضعیت پل قدس و پیشرفت فیزیکی آن را مورد سؤال قرار می دهند چرا و به چه دلیلی در سه سال اخیر فریاد نکشیدند و واقعیت ها را نگفتند؟ چرا حالا به یاد پل قدس افتاده اند؟ وقتی امرز با تلاش نمایندگان مردم اردبیل، نیر، نمین و سرعین در مجلس شورای اسلامی و رایزنی های قابل توجه علی نیکزاد مشکلات اعتباری آن تا حدودی مرتفع شده و کارگاه ها فعال و کارها با سرعت مطلوبی پیش می رود برخی ها مدافع پل قدس شده و می خواهند سرنوشت آن را به ناکارآمدی لطف الهیان گره بزنند و با کمک رسانه های هم سو افکار عمومی را به سمت و سویی که می خواهند هدیت بکنند.

آن هایی که تازگی ها در نقش وکیل مدافع پل قدس ظاهر شده اند چرا در سال های 97 و 98 حرفی نزدند و نمایندگان وقت وضعیت آن را پیگیری نکردند؟

لطف الهیان باید اتفاقات و اقدامات خود در سه سال اخیر را در ذهن خود مرور نماید و مراحل چرخش دوستان را از نظر بگذرانند و تجربه گرانبهایی به دست آورد تا شتابزده و بدون حساب و کتاب و شناخت کامل، اعتماد نکند و در دوستی با چهره های سیاسی فاقد پشتوانه با احتیاط گام بردارد.

بدون شک در جریانات اخیر از جمله هیاهوی پل قدس و پناه آوردن به برخی از مسائل جزئی باید دوستان خود را بشناسد و فرصت طلبان قدرت دوست و پدرخوانده های سیاست و اساتید زد و بندهای پشت پرده و تشنگان مقام را